

از مذاکره در سایه تا طرح تأسیس کنسرسیوم غنی سازی اورانیوم در ایران

نگاهی به گزارش های ایندپندنت و فیگارو
محمد علی اصفهانی

فیگارو، معتبرترین روزنامه ی متمایل به دولت سارکوزی در فرانسه، در شماره ی چهاردهم آوریل خود، ضمن انتشار فشرده یی از اطلاعات افشا شده توسط روزنامه ی انگلیسی ایندپندنت در مورد مذاکرات نهانی احتمالی وابستگان دو دولت ایران و آمریکا از پنج سال پیش تا به حال، از «آماده سازی افکار عمومی در دو کشور ایران و آمریکا، برای مذاکره ی مستقیم» سخن به میان آورده است.

حکومت ملایان به طور عام، و کسانی که از زیر عبای ولی فقیه بیرون آمده اند، و یا او را در زیر عبای داشته و نداشته ی خودشان پناه داده اند، به طور خاص، قطعاً بر مبنای محاسبات خود، در برافروختن آتش معرکه ی اتمی، «فواید» فراوانی می بینند. و از جمله در پناه همین معرکه است که توانسته اند غارت و سرکوب و خفقان و قتل و زندان و شکنجه و اعدام و دست و پا قطع کردن و سنگسار را هر روز بیشتر از روز پیش کنند. هر کس هم که - با هر عذری و بهانه یی و توجیهی و فریبی - چون آنان بر این آتش می دمد، شریک جرم و جنایت آنان است.

شریک همه ی غارت ها و سرکوب ها و قتل ها و شکنجه ها و دست و پا قطع کردن ها و سنگسار ها.

ملّایان، از آنجا که به هیچ پرنسیب ارزشی و اخلاقی و عقیدتی، حتی در چهارچوب همان چیز هایی که خود می گویند اعتقادی نداشتند و ندارند و نخواهند داشت - طبعاً و طبیعتاً - آمادگی هر نوع معامله ی پس پرده با هر اهریمنی را در هر جای جهان داشتند و دارند و خواهند داشت.

زخم بزرگی که همینان، با ماجرای «اکتبر سورپرایز» و زد و بند با ریگان، به منظور شکست دادن جیمی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، بر پیکر تمامی جهان وارد آورده اند، نه تنها هنوز التیام نیافته است، بلکه به تعبیری، زمینه ساز بیماری هاری ویژه و بی سابقه یی در آمریکا شده است که معروف ترین مبتلای به آن، جرج دبلیو بوش نام دارد.

ایران - کنترا هم که از یادمان نرفته است.

و نیز تحویل گرفتن سلاح از اسرائیل (حتی به صورت رایگان، و به حساب بدهی های گذشته ی اسرائیل به ایران در زمان شاه) به منظور فتح قدس از طریق کربلا و نابودی رژیم اشغالگر با سلاح های خود او.

اما آنچه این موجودات قدرت فهمش را ندارند، ناهمخوانی ماهوی سیستم اقتصادی و سیاسی و فرهنگیشان است با سیستم سرمایه داری پیشرفته ی امپریالیسم، و به خصوص، با نیاز های جدید امپریالیسم آمریکا در «خاورمیانه ی بزرگ».

نفهمی یی که بهای آن می تواند علاوه بر انهدام خودشان، انهدام تمامی ایران باشد.

افکار عمومی جهان، و تلاش های روزنامه نگاران و نویسندگان و

فعالان ضد جنگ در همه جای دنیا - بی هیچ تردیدی - در بستن دست و بال جرج بوش و باند گانگستری او در اجرای نیت شوم حمله به ایران، تا به امروز، نقشی تعیین کننده داشته است. و برای ادای دین به خودی ها هم که باشد نباید فراموش کنیم که وحدت کلام و شعار افراد و جریان های آزادی خواه و مستقل و استقلال جوی داخل ایران، از کارگران و زحمتکشانش گرفته تا دانشجویان و روشنفکران و زنان، در مقابل دشمن کمین کرده به قصد تجاوز به میهن ما، هشدار بی بسیار جدی و کارآ به آمریکا و اسراییل بوده است؛ و توانسته است تلاش های شبانه روزی منحن ترین بخش اپوزیسیون خارج از کشور در جهت آماده سازی حمله به ایران را تا حدودی خنثی کند. و این، به بیان دیگر یعنی:

باید همچنان با هوشیاری تمام، مراقب همه ی فعل و انفعالات و تحرکات داخلی و خارجی در ارتباط با سرنوشت سرزمینمان باشیم و بدانیم که در حال حاضر، فاصله ی میان بود و نبود کشوری به نام ایران، فاصله یی است میان دو پلک برهم زدن.

۲۶ فروردین ۱۳۸۷

۱۴ آوریل ۲۰۰۸

مشاوران سیاسی دو حکومت دشمن، احتمالاً در تمام پنج سال گذشته، با یکدیگر، در سایه، مشغول مذاکره در باره ی برنامه ی هسته یی و روابط منجمد شده شان بوده اند. اگرچه در همین سه شنبه، هشتم آوریل، آمریکا باز هم [مردم] ایران را به تنبیهات فزاینده و انزوای بیشتر تهدید کرده است، دو دشمن سوگند خورده [رژیم های ایران و آمریکا] از پنج سال پیش تا کنون مشغول گفتگو های پنهانی با یکدیگرند. این روزنامه ی انگلیسی ایندپندنت، بر مبنای گواهی یکی از

شرکت کنندگان در این گفتگوها فاش کرده است.
این شرکت کننده در این گفتگوهای احتمالی Thomas Pickering
از معاونان سابق وزارت خارجه ی آمریکا [و نماینده ی اسبق
آمریکا در سازمان ملل متحد] است. دیپلماتی ۷۷ ساله، و بسیار
سرد و گرم چشیده و آبدیده و جنگ از سرگذرانیده.
او می گوید که گروهی متشکل از دوازده دیپلمات سابق
آمریکایی، که به وسیله ی یک انجمن آمریکایی طرفدار سازمان
ملل متحد، به نام «انجمن آمریکایی سازمان ملل»، سازماندهی
شده است، با دانشگاهیان و مستشاران دیپلماتیک ایرانی،
مذاکراتی در بسیاری از نقاط جهان، البته به جز آمریکا و ایران،
داشته است.

اگرچه هیچ کدام از این ایرانیان و آمریکاییان، عضو دولت متبوع
خود نیست، اما به گفته ی این مقام بلندپایه ی سابق آمریکایی
«بعضی از این ایرانی ها با نهاد های رسمی ایران مرتبط بوده
اند».

او توضیح می دهد که:

وقتی که پرونده ی هسته یی ایران، در مرکز اخبار روز جهان قرار
داشت «ما با یکدیگر در باره ی آنچه درون کشورهامان می
گذشت، و در باره ی مشکلات و مسایل کلی و فراگیر ی که روابط
ما را تخریب می کرد صحبت می کردیم».
او همچنین تأکید می کند که دستگاه بوش «ما را نسبت به
کارمان دلسرد نکرده است».

مطابق نظر روزنامه ی ایندپندنت، این نوع مذاکرات سرّی، غالباً
در حلّ و فصل نزاع های دیپلماتیک بسیار سنگین، «جهش های
تعیین کننده و سرنوشت ساز» به وجود آورده اند.

آماده سازی افکار عمومی

تماس های آمریکا و ایران، هیچ وقت متوقف نشده بود و نشده است؛ و با واسطه های مختلفی همچون سازمان ملل متحد، عراق، و یا کشور های دیگر، برقرار بوده است. یک متخصص امور ایران، این موضوع را به فیگارو می گوید؛ و توضیح می دهد که:

بسیاری از دیپلمات های آمریکایی، در میان خود، می گویند که ما همه ی راه ها را تجربه کرده ایم، به جز راه گفتگوی مستقیم را. و حالا زمان آن است که از این آخرین سلاح، استفاده کنیم. به گفته ی این کارشناس، آنچه در این قضیه، جدید است، افشای مدیاتیک و رسانه یی و عمومی این گفتگو های پنهانی است. و این امر، برای ساختن فضای است که در آن، افکار عمومی در هر دو کشور ایران و آمریکا، برای پذیرش گفتگوی مستقیم میان دو دولت خود آماده شوند. اما با این همه، چنین گفتگویی، تا زمانی که دو دولت بوش و احمدی نژاد در دو کشور بر سر کارند، با خطر انجام نپذیرفتن رو به روست.

مسأله ی افشای مذاکرات پنهانی پنج ساله، همزمان شده است با موضوعی دیگر:

انتشار رسمی و علنی پیشنهاد سه تن از اعضای همین گروه آمریکایی مذاکره کننده. یعنی خود Thomas Pickering همراه با یک دیپلمات دیگر: William Luers و نیز Jim Walsh که یک پژوهشگر در «ام آی تی» [انستیتوی تکنولوژی ماساچوست] است.

این سه نفر، طرحی مشترک برای خروج از بن بست سیاسی میان ایران و آمریکا ارائه کرده اند که اگر به حرف اولی یعنی معاون اسبق وزارت امور خارجه ی آمریکا و نماینده ی اسبق این

کشور در سازمان ملل متحد، اعتماد کنیم، مورد استقبال نسبتاً خوبی قرار گرفته است. در این طرح، به خصوص، پیشنهاد شده است که یک کنسرسیوم بین‌المللی، برای حلّ و فصل مسأله ی غنی سازی اورانیوم در خود کشور ایران، تشکیل شود.

در حال حاضر، نه دستگاه بوش، و نه دولت ایران، هیچکدام در برابر این اطلاعات، عکس‌العملی نشان نداده است.

www.ghoghnoos.org